اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت نهم)

آهنگ شیطان

۱) صوت شیطان

آیه ای در قرآن هست که میگوید شیطان به وسیله صوتش انسان ها را فریب می‌دهد. صوت شیطان می تواند در دنیای ما تعابیر مختلفی داشته باشد یکی از آن تعابیر آهنگ و موسیقی است. البته این به معنای آن نیست که هرگونه آهنگی شیطانی است بلکه آهنگ هایی که ما را به حالت آلفا و یا خلسه می‌برند شیطانی هستند. از این نوع آهنگها به عنوان صوت شیطان تعبیر میشود.

وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿۶۴﴾

و از ایشان هر كه را توانستی با آوای خود تحريك كن و با سواران و پيادگانت بر آنها بتاز و با آنان در اموال و اولاد شركت كن و به ایشان وعده بده و شيطان جز فريب به آنها وعده نمی دهد (۶۴)

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا ﴿۶۵﴾

در حقيقت تو را بر بندگان من تسلطی نيست و حمایتگری [چون] پروردگارت بس است (۶۵)

در حالت بیداری، امواج مغز در حالت بتا قرار می گیرد. اما در حالاتی که فرد در لذات و احساسات دنیوی و توهم مثل خواندن اشعار ، نگاه کردن به فیلمهای توهمی و احساسی و بازیهای کامپیوتری غرق میشود، در این حالت امواج مغزی فرد در حالت آلفا قرار می گیرد. اما در حالات تفکر وتدبر و حل مسائل منطقی و ریاضی امواج در حالت بتا قرار دارند.

می توان امواج مغزی را به چهار دسته کلی تقسیم نمود.

بتا: حالت بیداری (فرکانس مغز بین ۱۴ هرتز تا ۳۰ هرتز)

آلفا: حالت احساسات و خلسه و توهم (فرکانس مغز بین ۸ هرتز تا ۱۴ هرتز)

تتا: حالت تله پاتی (فرکانس مغز بین ۴ هرتز تا ۸ هرتز)

دلتا: حالت خواب (فرکانس مغز بین ۰,۵ هرتز تا ۴ هرتز)

در آلفا فرکانس مغز بین ۸ تا ۱۴ قرار می گیرد و بعبارتی مغز انسان نسبت به حالت معمولی سردتر میشود و قسمت مرتبط با تفکر فعالیتش کم میشود.

شاید تعجب کنید که شیطان از همان مکانیزمی که خدا در طبیعت نهاده، جهت فریب و کنترل مردم استفاده می‌کند. موسیقی و حرکات ریتمیک و یا حتی بعضی مجالس و مراسمات به اسم مذهب، مهمترین مکانیزم شیطان در کنترل افراد است. موزیک و صدا و همچنین امواج مغزی هردو براساس فرکانس هستند. دانشمندان ثابت کرده اند که وقتی یک صدا با تن مثلا ۱۰۰ و صدایی دیگر با تن ۱۰۶ هرتز نواخته میشود. در این بین تنی دیگر هم با فرکانسی در این بین (بین ۱۰۰ و ۱۰۶) شنیده میشود. این تن صدا که شنیده میشود، اصلا نواخته نشده است. اما این یک مکانیزم فیزیکی و علمی است که خدا در مغز انسان گذاشته است. ولی اجنه از این خاصیت علمی جهت ایجاد رعب و وحشت و ترس و ابهام استفاده می کنند و در نتیجه فرد را با زیرکی به آلفا می برند و در آلفا دستورات خود را به او دیکته می‌کنند. در آیه منظور از صوت شیطان (بِصَوْتِکَ) همین حربه های ریتمیک است که شیاطین مردم را بوسیله آن به آلفا می برند.

آیه ۶۴ سوره اسراء:
وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ ۚ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا
[۱۷:۶۴] "تو مي تواني با صداي خود آنها را فريب دهي و با تمام نیروهای سواره و تمام نیروهای پیاده خود عليه آنها بسيج شوي و در اموال و فرزندانشان شريك باشي و به آنها وعده دهي. آنچه شيطان وعده مي دهد، جز خيالي واهي نيست.

۲) موسیقی راک

در بعضی قبایل آفریقا و هند از موسیقی راک (که اصالتا ابداع قبیله های بومی آفریقاست) برای فراخوانی الهه‌هایشان استفاده می‌کنند. الهه این اقوام که همان شیاطین رانده شده از درگاه خدایند، فقط با موسیقی های خاصی قابل فراخوانی اند. البته این افراد با این کار خود را به آلفا می برند و خود را تحت کنترل شیاطین قرار می‌دهند. فراخوانده شدن الهه ها مساوی است با در کانال آلفا قرار گرفتن پیروان این اقوام.

ریتم موسیقی حتی میتواند ریتم بدن و ضربان تنفس و ضربان قلب را هم تغییر دهد. در بابل قدیم، عبادتهایشان با موسیقی همراه بوده است. خوشحالی و گریه ، بیهوشی و جیغ زدنهای ناگهانی در این نوع موسیقی ها به علت تغییر فرکانسهای مغز است و فرد را به آلفا می برد. اقوامی در تبت ، در حین مراسم مذهبی، از طبل استفاده می کنند. آنان هر ثانیه ۸ ضربه می زنند (توجه کنید که فرکانس فضای آلفا از ۸ تا ۱۴ است). اکثر مذاهب منحرف از موسیقی و مراسم های خاصی استفاده می کنند تا که اجنه هایشان را صدا زنند و تحت کنترل آنان قرار گیرند.

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ﴿۶﴾

و مردانی از آدمیان به مردانی از جن پناه می بردند و بر سرکشی آنها می افزودند (۶)

۳) شیطان جهت فریب مردم از مجهولات استفاده میکند

دانشمندان طی آزمایشی یک فرکانس را از یک گوش و فرکانسی دیگر را از گوش دیگر نواختند. اما با کمال تعجب یک فرکانس دیگر در این بین شنیده میشد. دو نیم

کره مغز انسان هر دو فرکانس را پردازش می کند. اما بعد از مدتی فرکانس دریافتی هردو نیمکره یکی میشود و در نتیجه فرد براحتی در آلفا قرار می گیرد. تمام مکانیزم شیاطین براساس مکانیزم طبیعت انجام میشود. فقط بی اطلاعی و عدم اطاعت از امر و نهی های خدا باعث در دام افتادن افراد میشود. یکی از امور مهم و دستورات مهم، نماز بجا آوردن است؛ زیرا اصولا نماز ضد آلفاست. ادا کردن نماز در پنج وقت، باعث میشود که فرد در طول شبانه روز از قرار گرفتن مغز در فرکانس آلفا خارج شود و زینتهای آن فضا از سرش بپرد.

۴) ضمیر ناخودآگاه

همانطور که می‌دانید ضمیر ناخودآگاه ما هر آنچه را که در طول روز بشنود یا ببیند، حتی اگر خودمان در آن لحظه متوجه نباشیم را ضبط و ثبت می کند. تعدادی از دانشمندان روانشناس یک فیلم را برای عده‌ای پخش کردند در آن ویدئویی حاوی چند فرد در حال پرتاب توپ به سمت هم ساخته شد و به مدت کمتر از یک ثانیه در پیش زمینه این فیلم فردی با لباس شامپانزه از میان پرتاب کننده گان عبور کرد و فورا ناپدید می شد. بعد از اتمام فیلم، افرادی که نظاره‌گر فیلم بودند در مورد آن تصاویر از آنها سوال شد، با کمال تعجب آنها آن فرد با لباس شامپانزه را ندیده بودند. اما بعد از اینکه به آنها گفته شد که فردی با لباس شامپانزه رد می شود و به آن توجه کنید، اقرار کردند که تصاویری به مدت چند ثانیه در پیش زمینه فیلم ظاهر شده و فورا ناپدید شده است. آنها به صورت خودآگاه متوجه آن آدم با لباس شامپانزه نشدند. از طریق هیپنوتیزم می توان اطلاعات ضمیر ناخودآگاه را بازیابی کرد. به این

طریق ضمیر ناخودآگاه ما هر آنچه را که ببیند و بشنود حال شما بدانید و یا ندانید ضبط خواهد کرد. برای وقتی که شما یک آهنگ گوش می کنید ظاهراً شما بعضی کلمات و بعضی حالات را پیدا می کنید؛ اما ضمیر ناخودآگاه شما به تمام و کمال آهنگ را ضبط کرده و در موارد بعدی از آن استفاده می کند. به همین خاطر است که خدا در قرآن می فرماید که ای مومنان و مومنات چشم‌های خود را محفوظ بدارید و گوشهای خود و سایر حواس خود را محفوظ بدارید؛ زیرا هر آنچه که ما می شنویم و می بینیم در اعمال بعدی ما و ناخودآگاه ما تاثیر می گذارد به این طریق شیطان در ضمیر ناخودآگاه ما دخالت خواهد کرد و آن را به سمت و سویی که خود می خواهد می کشاند. حتی بعضی آهنگها را که گوش داده اند بعد از مدتی تاثیر بدی در آنها گذاشته است. شاید برای شما هم پیش آمده باشد که یک آهنگی که مثلا خیلی مشهور هم است ولی وقتی گوش می دهید به شما حس ناامیدی و یاس دست میدهد. در اینترنت شاید خودتان جستجو کرده باشید که برگردان بعضی آهنگ ها، به جملات تخیلی و قاعده شکن و کفر آمیزی تبدیل می شود برای نمونه به لینک زیر مراجعه کنید.

https://www.aparat.com/v/YOgsA

هر چه را که می بینیم و می شنویم در ضمیر ناخودآگاه خود نگه داری می کنیم و برای همیشه باقی می ماند و شخصیت ما را شکل میدهد شاید ما کاری را انجام بدهیم و آن را به ظاهر فراموش کنیم ولی در ناخودآگاه باقی مانده و در آینده مان و در تصمیمات مان تاثیر می گذارد. گاهی انسان کاری را انجام می دهد و می گوید که این آخرین بار است که آن را انجام میدهم و دیگر تکرار نمی کنم ولی نمی دانیم که با

انجام دادن آن ضمیر ناخوداگاه آن را حفظ کرده و برای همیشه نگه داری می کند و جزوی از شخصیت ما میشود و بر آینده و مسیر زندگی مان تاثیر می گذارد. هر کاری که انجام می دهیم و هر چیزی که می شنویم و هر رویدادی در زندگی ما بر وجود و شخصیت ما تاثیر گذار است و برای همیشه در ناخودآگاه می ماند و بر رفتار آینده ما تاثیر می گذارد. پس همیشه باید در مورد ضمیر ناخودآگاه با لطافت زیادی رفتار کرد، زیرا بر رفتار ما در آینده تاثیر می گذارد. برای همین هست که بعضی افراد بعد از مدتی دچار مشکلات روحی و روانی می شوند زیرا به وجود خود احترام نگذاشته اند و با لطافت و دقت رفتار نکرده اند. انسان همیشه باید مواظب خود باشد. حتی خیال بافی های انسان در توهمات هم بر ضمیر ناخوداگاه تاثیر می گذارند. برای همین در آلفا قرار گرفتن و خیالبافی و توهم در نهایت به رفتار تبدیل می شود.

۵) چرا ما نباید افسردگی یکی دیگر را تجربه کنیم؟

هر خواننده یا هر سراینده شعری، شعرش و یا آهنگش را به‌خاطر چیزی یا خاطری می گوید؛ مثلاً یکی شعرش را به خاطر عشق از دست رفته می‌گوید، دیگری افسرده است یکی از دنیا بی بهره است یا بی بهره بوده است، در نتیجه مجبور شده است که این اشعار را بسراید؛ اگر شما هم این آهنگ را گوش کنید و در حس او فرو روید، به نوعی خود را در موقعیت او قرار داده اید؛ یا به نوعی خود را به موقعیت او هدایت کرده‌اید. یکی که افسرده است، چرا ما باید خود را به موقعیت او هدایت کنیم و خود را مثل او افسرده کنیم؛ متأسفانه شیاطین افراد را این چنین راهنمایی می کنند. خدا در جاهای مختلف قرآن اشاره می‌فرماید که شیطان فقر و فحشاء و ترس و نا امیدی

و افسردگی را بین قربانیان رواج می‌دهد. روش شیطان همین است؛ تجربه کردن حالات دیگران، از قبیل نا امیدی ، شکست خوردگی عشقی و ...

۶) مولوی ناخواسته گفته های شیطان را در مقدمه مثنوی می آورد

مولوی در مثنوی معنوی واقعیتهای جالبی را در مورد موسیقی و شعر برملا میسازد. او ساز نی را سوز می‌نامد و به نوعی گفته هایش را به صورت سوم شخص می آورد. با مطالعه ادامه شعر، مشخص میشود که سوم شخص شعر او که از قول او تعریف می‌کند، شیاطین رانده شده هستند. این حرف ممکن است که خیلیها را که طرفدار مولوی هستند را ناراحت کند. اما من قصد توهین ندارم و میخواهم واقعیتها را بگویم. این مسائل مهم هستند زیرا خیلی ها دیوان مثنوی را بیشتر از قرآن مطالعه میکنند و قرآن را مهجور گذاشته اند؛ به همین جهت بهتر است اولین ابیات مثنوی را بررسی کنیم.

بشنو این نـی چون شکایت می‌کند
از جدایی‌ها حکایت می‌کند

نی منظور همان شیطان است که سعی دارد افکار خود را از طریق شاعر به پیروان خود برساند و از جدایی و طرد شدن خود از بارگاه خدا شکایت می کند اینکه خدای بزرگ او را از خود رانده است و شیطان می خواهد به انسان ها بگوید که حق با او بوده است.

کز نیستان تا مرا ببریده‌اند
در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند

بریدن از نیستان همان طرد شدن از ملکوت اعلی است که به نیستان آن را تشبیه کرده است.

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق
تا بگویم شرح درد اشتیاق

شیطان خود را مشتاق رجوع دوباره نشان می دهد ولی بازهم این یک نوع دروغ است زیرا شیطان وعده دروغ و فریب می دهد.

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش

شیطان ملعون سعی دارد بگوید که خدا در نهایت او را به جایگاه قبلی اش ارجاع می دهد و خدای بزرگ اصل اوست و او با خدا یکی است.

من به هر جمعیتی نالان شدم
جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم

شیطان پیام خود را از طریق افراد مختلف در طول ادوار مختلف ارائه داده است و از طریق عرفان های مختلف معرفی کرده است .

هر کسی از ظن خود شد یار من
از درون من نجست اسرار من

شاعر وقتی در مرحله جادوی سامادهی قرار می گیرد حالتی برایش رخ می دهد که حضور شیطان و اهریمن را درک می کند و برای همین سعی دارد به همه بگوید که کسی نمی داند چه چیزی را دیده است و برای اینکه شما هم به این درجه برسید باید مانند من توقف فکر را تجربه کنید.

سر من از نالهٔ من دور نیست
لیک چشم و گوش را آن نور نیست

اینجا اشاره دارد که این اشعار نکات جالبی دارد که خیلی ها آن را درک نمی کنند و در طول سالهای زیادی هر کسی اشعار را خوانده متوجه این نکات ریز نشده است. ولی مکر و کید شیطان پایدار نیست و خدای بزرگ آن را آشکار می کند. شیطان از طریق اشعار حرفش را به مردم میرساند.

تن ز جان و جان ز تن مستور نیست
لیک کس را دید جان دستور نیست

هیچ کس نمی تواند درون و فضای جادوی سامادهی را درک کند ولی همین موجودات اهریمنی بر انسان تاثیر می گذارند.

آتش است این بانگ نای و نیست باد
هر که این آتش ندارد نیست باد

آتش همان شیطان است . شیطان می خواهد بگوید که کسی که او را نداشته باشد باید نیست و نابود شود.

آتش عشق است کاندر نی فتاد
جوشش عشق است کاندر می فتاد

عشق کلمه ای شیطانی است . همین عشق در درون مولوی افتاده و او را به جوشش و شعر وادار کرده است.

نی حریف هر که از یاری برید
پرده‌هایش پرده‌های ما درید

خود را هم درد کسانی می داند که از دوری معشوق خود می نالند.

همچو نی زهری و تریاقی که دید
همچو نی دمساز و مشتاقی که دید

شیطان خود را آرام بخش افراد عاشق و جن زده می داند و مانند تریاق آرام بخش می داند هر چند این آرامش کاذب و لحظه ای است.

نی حدیث راه پر خون می‌کند

قصه‌های عشق مجنون می‌کند

این راه راهی است که در نهایت به نابودی منتهی می شود و جن زدگی و خلسه نتیجه آن است.

محرم این هوش جز بیهوش نیست
مر زبان را مشتری جز گوش نیست

این ایده های شیطانی را فقط کسانی که در آلفا هستند می توانند درک کنند.

در غم ما روزها بیگاه شد
روزها با سوزها همراه شد

شیطان می خواهد بگوید که کسی که با او همراه نباشد زندگی اش پر از ناراحتی و غم می شود.

روزها گر رفت گو رو باک نیست
تو بمان ای آن که چون تو پاک نیست

شیطان خود را بری و پاک می داند و زمان را بی اهمیت تلقی می کند.

هر که جز ماهی ز آبش سیر شد
هرکه بی روزیست روزش دیر شد
در نیابد حال پخته هیچ خام

پس سخن کوتاه باید و السلام

شاعر افرادی را که این حالت های توهمی و آلفایی را درک نمی کنند افراد خام و نادان تلقی می کند.

بند بگسل باش آزاد ای پسر
چند باشی بند سیم و بند زر

بی قید و بندی از ناحیه شیطان است . البته شیطان گاهی با زخرف القول و اینکه با استفاده از کلمات و جملات جالب و گاهی به ظاهر خوب سعی دارد انسان را گمراه کند.

گر بریزی بحر را در کوزه‌ای
چند گنجد قسمت یک روزه‌ای
کوزهٔ چشم حریصان پر نشد
تا صدف قانع نشد پر در نشد
هر که را جامه ز عشقی چاک شد
او ز حرص و عیب کلی پاک شد
شاد باش ای عشق خوش سودای ما
ای طبیب جمله علت‌های ما
ای دوای نخوت و ناموس ما
ای تو افلاطون و جالینوس ما

شیطان خود و سامادهی را درمان درد ها می داند.

جسم خاک از عشق بر افلاک شد
کوه در رقص آمد و چالاک شد
عشق جان طور آمد عاشقا
طور مست و خر موسی صاعقا
با لب دمساز خود گر جفتمی
همچو نی من گفتنی‌ها گفتمی
هر که او از همزبانی شد جدا
بی‌زبان شد گرچه دارد صد نوا
چون که گل رفت و گلستان درگذشت
نشنوی زآن پس ز بلبل سر گذشت

کسی که در سامادهی و مراحل جادوست است نمی داند احساسات خود را چگونه به دیگران تفهیم کند، در نتیجه سعی دارد همه را به تجربه مجنونیت سوق دهد و این مهمترین دلیل تکرار اشعار است.

جمله معشوق است و عاشق پرده‌ای
زنده معشوق است و عاشق مرده‌ای

نابودی و فنا شدن در معشوق هدف نهایی عشق و فلسفه ی دنیای شیاطین است.

چون نباشد عشق را پروای او
او چو مرغی ماند بی‌پر وای او
من چگونه هوش دارم پیش و پس
چون نباشد نور یارم پیش و پس

عشق خواهد کاین سخن بیرون بود
آینه غماز نبود چون بود
آینه‌ت دانی چرا غماز نیست
زآن که زنگار از رخش ممتاز نیست

نابودی خود انسان و فنا شدن فرد و از بین رفتن انسان هدف نهایی شیطان است زیرا او دشمن سرسخت انسان است. مهمترین هدف شیطان از بین بردن حسن ظن نسبت به خدا می باشد و ایجاد حسن ظن نسبت به شیطان می باشد.

۷) خیلی از دیوان اشعار با نام خدا شروع نمیشوند!

بسیار جالب است که اگر شما اشعار شعرای بزرگ را مطالعه کنید هیچ کدام از دیوان اشعار با نام خدا شروع نمی شود. برای مثال مثنوی معنوی و حافظ را در نظر بگیرید دفتر اول می‌گوید بشنو از نی چون حکایت میکند. همانطور که می‌بینید شعر اینجور شعرا با نام خدا شروع نمی شود. این نکته بسیار مهمی است و نشان می دهد که این اشعار از کجا آب می خورد و منشا آن کجاست. این‌ها منشاء شیطانی دارند و متاسفانه مردم به ظاهر بوسیله یک کلام زینت داده شده (زخرف القول) فریب میخورند و به وسیله اینها کلام خدا به حاشیه می رود.

بعضی کلمات و جملات فریبنده اند خدا آنها را زخرف القول می نامد. مثل کارما ،عرفان حلقه، عشق ، طریقت، یوگا ، صوفی گری و سایر اشعار دیگر که فقط سخنانی آراسته هستند که لابلای آنها تفکرات شیطان پنهان است به این طریق شیطان

تفکرات خودش را به مردم القا می‌کند. خدا در قرآن می‌فرماید که بعضی از شیاطین جن و انس بر مردم وحی می کنند این وحی کردن از طریق زخرف القول انجام میشود.

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿۱۱۲﴾

و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم بعضی از آنها به بعضی برای فریب [یکدیگر] سخنان آراسته القا می کنند و اگر پروردگار تو می خواست چنین نمیکردند پس آنان را با آنچه به دروغ می سازند واگذار (۱۱۲)

وَلِتَصْغَى إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ ﴿۱۱۳﴾

و [چنین مقرر شده است] تا دلهای کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند به آن [سخن باطل] بگراید و آن را بپسندد و تا اینکه آنچه را باید به دست بیاورند به دست آورند (۱۱۳)

أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿۱۱۴﴾

پس آیا داوری جز خدا جویم با اینکه اوست که این کتاب را به تفصیل به سوی شما نازل کرده است و کسانی که کتاب [آسمانی] بدیشان داده ایم می دانند که آن از جانب پروردگارت به حق فرو فرستاده شده است پس تو از تردیدکنندگان مباش (۱۱۴)

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۱۵﴾

و سخن پروردگارت به راستی و داد سرانجام گرفته است و هیچ تغییردهنده ای برای کلمات او نیست و او شنوای داناست (۱۱۵)

وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿۱۱۶﴾

و اگر از بیشتر کسانی که در [این سر]زمین می باشند پیروی کنی تو را از راه خدا گمراه می کنند آنان جز از گمان [خود] پیروی نمی کنند و جز به حدس و تخمین نمی پردازند (۱۱۶)

۸) متاسفانه بعضی قرائتهای قاریان قرآن مفاهیم قرآن را می پوشاند

وقتی که قرائت قرآن یک قاری را گوش می کنیم و از آن لذت می بریم؛ ممکن است که این قرائت تدبر و تفکر ما در مورد قرآن را به حاشیه ببرد زیرا در حین شنیدن قرائت قرآن، کلام خدا به حاشیه می رود و بیشتر توجه ما به صدای قاری است. اگر قرائت قرآن تفکر و تعقل ما را در قرآن تحریک می‌کند یعنی جالب است؛ به زبان ساده تر یعنی تفکر باید احساسات را تحریک کند و منطق قرآن را مطالعه و قرائت قرآن را گوش می کنیم. باید تفکری که در آن انجام می‌دهیم احساسات ما را تحریک کند؛ این خیلی مهم است که همه منبع احساسات ما و منبع شعور ما، برگرفته از آیات قرآن باشد و نه فقط صدای قاری. در اینجا قصد بر این نیست که گفته شود تمام قاریها، قرائت قرآن شان درست نیست؛ بلکه این به خود فرد ربط دارد. اما باید بدانیم که وقتی قرائت قران با صدای عبدالباسط را گوش می کنیم باید بدانیم که آیا در مورد آیاتش تفکر می‌کنیم یا فقط از صدا و لحن قاری لذت میبریم! هر لذتی، احساساتی دارد. آیا منشاء اصلی احساسات تولید شده، ناشی از صدای قاری است یا ناشی از تفکر در آیات خدا و سجده در مقابل نشانه های خدا. این است آن نکته مهم.

اشو عرفانیست مشهور هندی در مورد قرآن میگوید:

قرآن کتابی نیست که برای خواندن باشد، بلکه کتابی هست که باید آنرا سرود. اگر تو آن را بخوانی اشتباه میکنی! اما اگر تو آن را بسرودی شاید خدا را پیدا کنی!

اشو با زیرکی تمام که از عرفان شیطانیش اخذ کرده است، میخواهد قرآن در همان سطح قرائت و سرود بماند و روی آیاتش تفکر نشود. او در ادامه میگوید:

من زبان عربی را بلد نیستم و نمی فهمم ولی میتوانم قرآن را درک کنم برای اینکه میتوانم آهنگ و زیبایی آن نوای عربی را درک کنم چه کسی به معنا اهمیت میدهد!؟ وقتی تو زیبایی یک گل را میبینی آیا میپرسی این چه معنی دارد!؟ خود گل کافی است!

اشو نوای عربی قرآن را کافی میداند و این همان حیله شیطان است برای مهجور ماندن قرآن. قرائت قرآن با صدای زیبا و آهنگین از نظر اشو نهایت قرآن است و به این طریق اشو و سایر عرفانهای شیطانی نمیخواهند که مردم با معانی و پیامهای قرآن آشنا شوند.

۹) از کجا بدانیم که یک آهنگ آلفایی است؟

اگر آهنگی را گوش دادید و دچار صفات شیطانی از جمله خشم، عصبانیت، ناامیدی ، افسردگی، غم و سایر صفات شیطانی شدید یعنی این آهنگ، یک آهنگ شیطانی است. یکی دیگر از خواص موسیقی های شیطانی، آن است که حسهای عشق، نا امیدی ، افسردگی و غم و کینه و شکست و سایر صفات شیطانی را شعله ورتر میکند. اما شنوندگان این آهنگها فریب خورده و برای کسب آرامش گوش میکنند، در حالی که نمی دانند حالشان را خرابتر میکند و آتش درونشان را شعله ور تر میکند.

جن ها از طریق مغناطیس خود، حس را به فرد انتقال می دهند مثلاً در یک موسیقی از آنجا که فرد به فضای آلفا میرود، مغناطیس اجنه به حس و توهم و یا تخیل تبدیل

می شود. بعضی موسیقی ها کد درستی به فرد شنونده نمی فرستند، مثلاً بر اثر شنیدن یک موسیقی، ناامیدی و افسردگی به فرد دست می‌دهد؛ به این اعمال که ناشی از شنیدن آهنگ است عمل شیطان گفته می شود. باید بدانیم که این آهنگ که ما گوش می‌کنیم چه عمل یا چه حسی را در ما شعله ور میکند؛ اگر صفات شیطانی را در درون ما شعله‌ور کند، آن آهنگ، آهنگ شیطانی است.

۱۰) موسیقی آلفایی، آدمی را از دنیای واقعی خارج میسازد

شیطان با آهنگ و ریتم، مسئولیت پذیری و صفات خوب را از وجود انسان می‌زداید. خیلی ها در هنگام رانندگی با گوش دادن به موسیقی سرعت خود را افزایش می دهند و جان دیگر انسان ها برایش مهم نیست. یا با گوش دادن به موسیقی از انجام دادن مسئوولیت های اصلی خود سر باز می زنند. هدف اصلی شیطان از آهنگها و موسیقی های آلفایی، گسترش بی نظمی و پخش صفات شیطانی است. هدف اصلی شیطان نابودی آدمیزاد است از هر جهت (جان – شخصیت – هویت و ...) .

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿۶﴾

در حقیقت شیطان دشمن شماست شما [نیز] او را دشمن گیرید [او] فقط دار و دسته خود را می خواند تا آنها از یاران آتش باشند (۶)

۱۱) قربانی شدن در راه موسیقی!

شخصیتهای پشت آهنگهای شیطانی، خودشان ناخواسته و یا خواسته قربانی اند. زیرا آنها ناچارا وادار به اعمال جراحی پلاستیک و تغییرات در خلقت خدادادی خویش میشوند. نمونه چنین کشورهایی زیاد است همچون کره جنوبی که جوانانش بیشترین تمایل را به اعمال جراحی زیبایی و پلاستیک نشان میدهند و این پرهزینه است و تنها دلیلش گسترش آهنگهای شیطانی است. در سال ۲۰۱۷، کیم جونگ هون، هنرپیشه محبوب و مشهور کره‌ای، خودکشی کرد. در کنار جنازه او یادداشتی یک جمله‌ای بود:

از درون ویران شدم.

این جمله کوچک نشان داد که خود هنرپیشه قربانی شده است. قربانی یک تفکر شیطانی. هدف شیطان از اختراع آهنگهای آلفایی، نابودی جان و هویت انسان است. یکی از نمادهای شیطان در کشورهای غربی، یک مجسمه با سر بز و پیکر انسان است. این مجسمه ریش دارد ولی در عین حال بعضی خصوصیات زنانه هم دارد. شیطان به این طریق میخواهد فرقی بین زن و مرد نباشد و هویت زن و مرد را با هم مخلوط کند. جنبشهای فمنیستی از قربانیهای این تفکرات هستند.

۱۲) آهنگهای شیطانی هویت انسان را تغییر میدهند

حتی نامگذاری خیلی از آلبومهای موسیقی، از تفکرات شیطانی نشات می گیرند. مثلا اسم یک آلبوم "عاشق خودت باش" است. همانطور که قبلا بحث شد؛ عشق یک مفهوم جادویی است. عاشق خود بودن؛ یعنی برده شیطان شدن. یعنی خودپرستی.

موسیقی آلفایی یعنی از دست رفتن قدرت تعقل و منطق و هدف نهایی زندگی میشود "لذت".

تعدادی از جملات شیطانی که در آهنگها و مصاحبه ها گفته میشود: "عاشق خودت باش"؛ "هر کس من را دوست ندارد به درک"؛ "کسی این شرایط را قبول ندارد از اینجا برود"؛ و ...

تمام این جملات زخرف القول هستند و ظاهرا برای خیلی افراد زیبا هستد ولی نشان از بت سازی درونی دارد. شیطان میخواهد تک تک آدمیان یا به شیطان تبدیل شوند و یا نابود شوند، حالت سومی وجود ندارد. فلسفه های شیطان بر مبنای خودپرستی، نژادپرستی، فرقه پرستی و الهه سازی می چرخد.

اشو عرفانیست مشهور هندی، یکی از مراحل جادو به اسم مراقبه کندالیتی را اینطوری توضیح میدهد:

۱- پانزده دقیقه بدن خود را بلرزانید - در این مرحله شروع لرزاندن از دست و پا است و به ترتیب همه اندام به لرزه در آید.

۲- پانزده دقیقه انرژی بیدار شده را از راه رقص به نمود در آورید.

۳- پانزده دقیقه در حالت نشسته یا ایستاده در بی جنبشی کامل به سر برید و فقط به موسیقی گوش کنید.

۴-پانزده دقیقه دراز کشیده در تنهایی به سر برید۰

همانطور که می بینید روشهای اشو، همان مراحل آلفاست و مغز افراد سرد شده و خود رادر اختیار اجنه و شیاطین قرار میدهند. در یک نگاه، میتوان با قاطعیت بیشتر عرفانهای شرقی و غربی را شیطانی نامید. آنها آهنگها و حرکتها و رقصهایی را ترویج میکنند که مقدمه آلفاست و بوسیله آن وارد جادو میشوند. آنها رقص، موسیقی، شعرخوانی و پایکوبی را سماع میگویند و گاها آن را به نمادهای سنتی خویش نسبت میدهند و فکر میکنند با این توجیهات دیگر دچار جادو نمی شوند.

۱۳) بررسی متن یک آهنگ

به متن یکی از اشعار که خواننده ای آن را به آواز خوانده است توجه کنید؛ ممکن است که بعضی کلمات را درست نشنیده باشم و بعضی کلمات را به خطا نوشته باشم.

این چه بهشتی است در آن خوردن گندم خطاست
این چه جهانی است که نوشیدن می نارواست
ای رفیق این ره انصاف نیست
این جفاست...
راست بگو راست بگو راست
فردوس برینت کجاست؟
بر همه گویند که هشیار باش
بر در فردوس نشیند کسی
تا که به درگاه قیامت رسی
از تو بپرسند که در راه عشق

پیرو زرتشت بودی یا مسیح؟!
دوزخ ما چشم به راه شماست
راست بگو راست بگو راست
آنجا نیز ...
باز همین ماجراست؟
این همه تکرار نکن ای همای
کفر نگو شکوه نکن بر خدای
پای از این در که نهادی برون
در غل و زنجیر برندت بهشت
بهشت همان ناکجاست
وای به حالت همای وای به حالت
این سر سنگین تو از تن جداست
نه نه نه توبه کنم باز حق با شماست

این گونه اشعار که ظاهرا با صدای زیبایی هم خوانده میشود، در ظاهر خیلی ها را جذب میکند ولی متن آهنگ پیام عجیبی دارد که اگر دقت کنید ، پیام شیطان در آن نهفته است. ضمیر ناخودآگاه ما پیام را دریافت میکند بدون آنکه خود متوجه باشیم و در مواقع مشکلات زندگی قدرت خودش را نشان میدهد و ما را به سمت فلسفه شیطان سوق خواهد داد. مهمترین هدف شیطان، از بین بردن حسن ظن نسبت به خدا می باشد و ایجاد حسن ظن نسبت به شیطان می باشد. این مهمترین تاکتیک شیطان است.

وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ
وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٦﴾

و [تا] مردان و زنان نفاق‌پیشه و مردان و زنان مشرك را كه به خدا گمان بد برده اند عذاب كند بد زمانه بر آنان باد و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتشان كرده و جهنم را برای آنان آماده گردانیده و [چه] بد سرانجامی است (۶)

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٧﴾

و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خداست و خدا همواره شکست ناپذیر سنجیده کار است (۷)

آدمی واقعا چطوری میتواند چنین شعری را نسبت به خدا بسراید و نسبت به خدا شک و گمان بد برد؛ حال آنکه سپاهیان آسمانها و زمین از آن خداست و خدا همواره شکست ناپذیر و لطیف و حکیم است.